



قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده و سیر تحول آن در خلال قواعد تمرکز دعاوی و مبانی در حقوق فرانسه

علیرضا محمدزاده وادقانی^۱ ✉، نرگس حیدری^۲

۱. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه

تهران، تهران، ایران. ، رایانامه: mohamadz@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکدگان البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: nargessheydari@ut.ac.ir

چکیده

از جمله قواعد مطرح آیین دادرسی مدنی، قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده است. به باور همگان اجرای این قاعده مستلزم وجود شروط سه‌گانه یگانگی موضوع، اطراف و اسباب دعواست. اخیراً رویه قضایی کشور خاستگاه قاعده، فرانسه، به‌منظور رفع ناکارآمدی‌ها و اجرای درست آن، قائل به وضع دو قاعده شده است؛ قاعده تمرکز مبانی که عبارت است از اینکه خواهان طرح دعوی اولیه ملزم به طرح تمامی اسباب و جهاتی است که دعوا می‌تواند مبتنی بر آن قرار گیرد، در غیر این صورت دعوا مشمول قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده می‌شود و قاعده تمرکز دعاوی به معنای اینکه خواننده دعوی اولیه ملزم به بهره‌گیری از تمامی وسایل دفاعی و در صورت لزوم طرح دعوی متقابل است، در غیر این صورت از آن پس از طرح دعوی جداگانه در برابر خواهان نسبت به آن موضوع محروم می‌شود. این نوشته در پرتو رویه قضایی فرانسه به توصیف قواعد یادشده و چگونگی درک دادرسان فرانسوی از شرایط سه‌گانه و اجرای آن، با نقل پرونده‌ای از میان آرای صادرشده می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: رویه قضایی فرانسه، قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده، قاعده تمرکز مبانی، قاعده تمرکز دعاوی.

* **استناد:** محمدزاده وادقانی، علیرضا؛ نرگس حیدری (۱۴۰۳)، تابستان. «قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده و سیر تحول آن در

خلال قواعد تمرکز دعاوی و مبانی در حقوق فرانسه»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۴، ۲: ۲۶۰ - ۲۳۹.

DOI: 10.22059/JLQ.2024.364294.1007794

تاریخ دریافت: ۹ آبان ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۱ بهمن ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۱۰ شهریور ۱۴۰۳



مقدمه

ماده ۱۳۵۱ قانون مدنی فرانسه که با اصلاحات قانون مدنی در سال ۲۰۱۶ در ماده ۱۳۵۵ ق.م. ساماندهی شده است، بیان می‌دارد: «قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده صرفاً نسبت به آنچه مورد قضاوت واقع شده، موضوعیت دارد. لازم است، اتحاد موضوع و سبب وجود داشته و دعوا بین همان اطراف دعوا و با سمت‌های مشابه طرح و اقامه شده باشد». هیأت عمومی دیوان عالی فرانسه در ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ در پرونده‌ای که معروف است به سزارثو^۱ خواهان را ملزم به طرح تمام اسبابی می‌نماید که به نظر او دعوا می‌تواند مبتنی بر آن قرار گیرد، در غیر این صورت طرح دعوی بعدی خواهان در آن موضوع مواجهه با ایراد اعتبار امر قضاوت‌شده است. به عبارت دیگر، در این پرونده اصل تمرکز مبنای در رابطه با قاعده اعتبار امر قضاوت‌شده اعلام می‌شود. بدین ترتیب از آن پس طرح دعوی که موضوع آن بین دو طرف قبلاً در پرونده‌ای مورد قضاوت قرار گرفته، با تغییر سبب، در چهارچوب دعوی جدید از سوی خواهان با ایراد اعتبار امر قضاوت‌شده مواجه شده و ممنوع می‌شود.

رای سزارثو فقط به خواهان مربوط می‌شد، اما برای نخستین بار شعبه تجاری دیوان عالی در پرونده‌ای به شماره ۳۲۲ ۱۸-۵ در مبحث داوری در ۲۰ فوریه ۲۰۰۷ قاعده را به طرفین دعوا گسترش داد و مقرر کرد، بر عهده طرفین دعواست که به مناسبت طرح دعوی اولیه بین خواهان و خوانده کلیه اسبابی که دعوا می‌تواند مبتنی بر آن شود یا به طور کلی یا جزئی آن را رد نماید، مطرح کنند. در این صورت خوانده از موقعیت دفاع و همچنین طرح دعوی متقابل برخوردار است که اگر از این موقعیت بهره نگیرد، دیگر طرح آن در چهارچوب دعوی جدید غیرممکن شده و با ایراد اعتبار امر قضاوت‌شده مواجه می‌شود. بدین سان وضع اصل تمرکز مبنای به اعلام اصل تمرکز دعوی منجر می‌شود.

از آن تاریخ تاکنون شعبه‌های گوناگون دیوان عالی با استناد به اصول یادشده مبادرت به صدور آرای پیاپی کرده‌اند. از جمله شعبه ۲ مدنی دیوان عالی در دو پرونده به شماره ۲۳-۱۸، ۹۷۲ و شماره ۲۳-۱۸، ۳۷۰ در ۲۷ فوریه ۲۰۲۰ دعوی جدید خواننده دعوی اولیه‌ای را که علیه خواهان دعوی اولیه مطرح شده، با استناد به اصل تمرکز دعوی رد می‌کند، چراکه بدهکار ضامن (خواهان پرونده جدید) به عنوان خواننده دعوی اولیه یک مرتبه فرصت دفاع و طرح دعوی متقابل به عنوان حربه دفاعی داشته و از آن استفاده نکرده است و از آن پس از طرح آن در قالب دعوی جدید محروم می‌شود (اصل تمرکز دعوی).

اکنون قواعد یادشده توسط رویه قضایی پی‌درپی مورد استفاده و اعمال قرار می‌گیرد، هرچند مخالفانی نیز دارد. از دیدگاه مخالفان در صدر ایرادهای مطرح‌شده، ایراد تسری دادن

مفهوم اعتبار امر قضاوت شده به امور قضاوت نشده و همچنین ایراد پیوند زدن قاعده به طور تصنعی به قاعده اعتبار امر قضاوت شده است. از نگاه اینان آورده قاعده چیزی بیش از سقوط حق طرح دعوی مجدد نیست، بنابراین بهتر است در ضمانت اجراهای قانون آیین دادرسی مدنی وارد و ماده ۱۳۵۵ ق.م اصلاح شود. البته علی‌رغم طرح این پیشنهاد و قید آن در گزارش مولفسی / آگوستینی^۱، این امر نه در آیین‌نامه ۲۰۱۹-۱۳۳۳ به تاریخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ وارد شده و نه در قانون تغییری صورت پذیرفته است. بنابراین همچنان رویه قضایی پیشتاز و تعیین‌کننده وضعیت است (Bléry, 2020: 1).

نکته شایان توجه، همان‌طور که در دادنامه شماره ۱۲-۱۶، ۸۵۹ به تاریخ ۲۳ فوریه ۲۰۱۷ شعبه دوم مدنی دیوان عالی فرانسه آمده، دادخواست متقابل پژوهش خواهان بوده که همراه با پژوهش خواهی از دادنامه دادگاه بدوی نزد دادگاه پژوهش به طور ابتدایی مطرح شده و با توجه به مرتبط بودن موضوع آن با موضوع مورد ادعای خواهان‌ها در دعوی اولیه بر اساس مواد ۵۶۴ و بعدی ق.آ.د.م پذیرفته شده است. درحالی که اگر دادرسان ایرانی روزی متقاعد به استفاده از آورده‌های قواعد تمرکز مبنایی و دعاوی شوند و بر اجرای آن در حقوق موضوعه ایران عزم جزم کنند، به نظر می‌رسد که با این مشکل مواجه خواهند بود که برابر رویه موجود، طرح دعوی متقابل در مرحله تجدیدنظر با مشکل مواجه است.^۲ از این رو اجرای قاعده تمرکز دعاوی می‌تواند سبب ایراد خسارت به خواننده دعوی دارای اعتبار امر مختومه شود.

در حقوق ایران مستند قانونی پیشین اعتبار امر قضاوت شده بند ۴ ماده ۱۹۸ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۱۸ است که با عبارتی مشابه در بند ۶ ماده ۸۴ قانون ۱۳۷۹ آمده است و برابر آن: «در موارد زیر خواننده می‌تواند ضمن پاسخ به ماهیت دعوا ایراد کند ... ۶. دعوی طرح شده سابقاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد...». نویسندگان در وصف این قاعده اتفاق نظر دارند که شرایط سه‌گانه اتحاد اصحاب دعوا، اتحاد موضوع و اتحاد سبب، جهت حاکمیت قاعده ضروری است، هرچند که در مواد اشاره شده به وحدت سبب تصریح نشده است (کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۱۸۳).

1. Molfessis/Agostini

۲. در حقوق ما طرح دعوی متقابل تنها در مرحله بدوی تجویز شده است. در حقیقت قانونگذار امکان طرح دعوی ورود ثالث و جلب ثالث را در مرحله تجدیدنظر در مواد ۱۳۰ و ۱۳۵ ق.آ.د.م تصریح کرده، اما در خصوص دعوی متقابل قضیه را در ماده ۱۴۱ قانون مزبور به سکوت برگزار کرده است که از دیدگاه صاحب نظران طرح آن مجاز نیست. اما ماده ۵۶۷ ق.آ.د.م فرانسه مقرر می‌دارد: «دعوی متقابل در مرحله پژوهشی نیز قابل قبول است». البته بر اساس آرای صادره قابل قبول بودن دعوی متقابل در مرحله پژوهشی نیز مشروط به همان شرط مقرر در ماده ۷۰ ق.آ.د.م فرانسه یعنی وجود ارتباط کافی بین آن و دعوی اصلی است.

همچنین در حکم شماره ۳۱۵-۳۱/۵/۲۳ شعبه ۱ دیوان عالی کشور بیان شده است: «رسیدگی به دعوی متقابل در مرحله پژوهشی در صورتی که در مرحله بدوی به آن رسیدگی نشده باشد، صورت قانونی ندارد» (شمس، ۱۳۹۰: ۴۶۷).

به نظر می‌آید قواعد تمرکز مبنای و دعاوی حاصل تجربه گران‌سنگ رویه قضایی فرانسه در راستای جلوگیری از طرح دعاوی متعدد نسبت به یک موضوع و ختنی کردن ترفندهای گوناگون آیینی که موجب طولانی شدن رسیدگی‌ها بوده، طراحی شده است. اعمال این قواعد موجب تقویت امنیت حقوقی و آسایش خاطر جویندگان عدالت و افزون بر این استحکام بخشی بیشتر به احکام قطعیت یافته و مهم‌تر اینکه مبتنی بر هدفی مشروع که دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز بر آن صحه گذارده است و بررسی و نقد و نظر نسبت به آن توسط دادرسان و احتمالاً پذیرش آن در حقوق ملی می‌تواند مفید واقع شود. البته آنان که در رسیدگی‌ها همواره دغدغه برقراری عدالت و سبک کردن تعداد پرونده‌ها در دادگستری را دارند، با شیوه و سبک استدلال خاص خود به نتایجی مشابه عملکرد قواعد تمرکز مبنای و دعاوی دست می‌یابند.^۱ در حقوق ملی به دلیل اجرای خشک و رفتار کلیشه‌ای با قاعده اعتبار

۱. برای مثال می‌توان به دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۰۹۱۱۹۲۰۴ شعبه ۷ تجدیدنظر استان تهران به تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ در پرونده‌های شماره ۱۴۰۰۶۸۹۲۰۰۰۲۷۹۱۹۰ و ۱۴۰۰۹۹۸۲۱۶۱۶۰۱۱۷۰ اشاره کرد. در این پرونده‌ها موضوع ابطال صورت جلسه مجمع عمومی شرکت ... به تاریخ ۱۳۶۵/۰۸/۲۷ است که سابقاً از سوی الف علیه ب مطرح و از سوی شعبه ۴ حقوقی عمومی تهران طی دادنامه شماره ۸۱-۹۰ به تاریخ ۱۳۹۰/۰۲/۱۹ حکم به بطلان دعوا صادر می‌شود، که آن هم با صدور دادنامه شماره ۷۳۲ به تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۴ شعبه ۷ تجدیدنظر قطعیت می‌یابد. سپس قائم مقامان خواهان پرونده اول به طرفیت همان خواندگان با تغییر مستندات و مبنای اقدام به طرح مجدد دعوی ابطال مصوبه یادشده در شعبه ۸۰ دادگاه حقوقی عمومی تهران می‌کنند. دادگاه بدوی با صدور دادنامه شماره ۱۴۰۰۱۶۱۹۴۳۵ حکم به بطلان دعوا صادر می‌کند و با تجدیدنظرخواهی خواهان‌های پرونده شعبه ۷ تجدیدنظر استان تهران با صدور دادنامه یادشده در بالا اعلام می‌دارد: «... به موجب دادنامه قطعیت یافته شماره ۸۱-۹۰ به تاریخ ۹۰/۰۲/۱۹ شعبه ۴ حقوقی انتقال پنجاه سهم از یکصد سهم شرکت ... به تجدیدنظرخواندگان احراز گردیده و به همین سبب دعوی ابطال صورت جلسه مورخ ۶۵/۰۸/۲۷ مجمع عمومی فوق العاده شرکت مذکور از سوی الف به نحو قطعی مردود اعلام شده است، ایراد وکیل خواننده دایر بر اعتبار امر مختومه راجع به سهام انتقالی از سوی الف اصالتاً و وراثتاً نسبت به سهام انتقالی نامبرده نسبت به قدرالسهم موروثی نامبرده به تجدیدنظرخواهان‌ها و خواهان‌های دعوی وارد ثالث وارد بوده و اقامه مجدد همان دعوا از سوی وراثت الف مواجه با ایراد مذکور است، لهذا دادگاه ضمن وارد تشخیص دادن تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواهان‌ها نسبت به سهم موروثی از الف و با نقض این بخش از رأی تجدیدنظرخواسته مستنداً به تبصره «و» بند «ه» ماده ۳۴۸ و بند «ج» ماده ۸۴ و مواد ۸۹، ۳۵۶، ۳۵۸ و ۳۶۵ ق.آ.د.م قرار رد دعوی نخستین تجدیدنظرخواهان‌ها و خواهان‌های دعوی وارد ثالث به نسبت سهام انتقالی مرحوم الف که بالورثه به تجدیدنظرخواهان‌ها و خواهان‌های دعوی وارد ثالث نسبت به سهام متعلق به آنها که به غیر از وراثت از الف مالک بوده‌اند، نظر به اینکه به موجب اسباب موجهه دادنامه شماره ۸۱-۹۰ مورخ ۹۰/۰۲/۱۹ که برابر دادنامه شماره ۷۳۳ مورخ ۹۱/۰۸/۱۴ شعبه ۷ تجدیدنظر به قطعیت رسیده و نیز مفاد دادنامه قطعی به شماره ۸۲۹-۹۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۱۱ صادر شده از شعبه ۱۲ تجدیدنظر استان تهران مالکیت تجدیدنظرخواندگان نسبت به ۲۱ سهم بی‌نام و ۲۹ سهم بانام ثابت شده است و نسبت به سهام مذکور دیگر مالکیتی برای تجدیدنظرخواهان‌ها و خواهان‌های وارد ثالث باقی نمانده است تا نفع قانونی آنها برای اقامه دعوی ابطال صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۶۵/۰۸/۲۷ به جهت عدم حضور کلیه صاحبان سهام در آن جلسه محرز گردد، دادگاه تجدیدنظرخواهی را به لحاظ فقد نفع قانونی آنها مادام که آرای اخیرالذکر به قوت و اعتبار قانونی خود باقی است، وارد تشخیص و مستنداً به بند «ه» ماده ۳۴۸ و بند ۱۰ ماده ۸۴ و مواد ۸۹، ۳۵۶ و ۳۵۸ ق.آ.د.م ضمن نقض رأی تجدیدنظرخواسته در این بخش قرار رد دعوی نخستین تجدیدنظرخواهان‌ها و خواهان‌های دعوی وارد ثالث را صادر و

امر قضاوت شده، متأسفانه همواره ناظر بر طرح دعاوی متعدد در خصوص یک موضوع هستیم که ناشی از تمسک به اندک تغییر در اسباب، موضوع یا اطراف دعواست. از این رو یکی از آرای فرانسوی که اخیراً درباره علائم تجاری توسط دادگاه پژوهش بردو^۱ که پس از نقض پرونده در مرحله فرجام خواهی به تاریخ ۲۲ مه ۲۰۱۴ صادر شده و با فرجام خواهی مجدد به شماره ۲۱۵۴۶-۱۴ به تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۶ به تأیید دیوان عالی رسیده و قطعیت یافته است، به منظور شفاف سازی بیشتر اجرای درست این قاعده و آگاهی جامعه حقوقی عیناً نقل می شود.

۱. شرح پرونده (خواسته خواهان)

شرح ماوقع عیناً از منابع فرانسوی به صورت ترجمه آزاد نقل می شود.

۱. شرکت مدنی شاتو پتروس^۲ (خواهان) تاکستانی را در منطقه پومول^۳ مورد بهره برداری قرار می دهد که این شرکت دارنده علائم زیر است:

- علامت حرفی «پتروس» که در ۲۸ دسامبر ۱۹۸۷ در طبقه ۳۳ به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ برای شراب به ثبت رسیده و در تاریخ های ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۷ و ۱۳ ژوئن ۲۰۰۷ تجدید اعتبار شده است.

- علامت شبه تصویری «پتروس» که در ۱۴ مه ۱۹۹۳ در طبقه ۳۳ به شماره ۹۳۴۲۸۵۱۸ برای «شراب پومول تأیید شده» به ثبت رسیده و در ۱۳ مارس ۲۰۰۳ تجدید اعتبار شده است.
- علامت حرفی «شاتو پتروس» که در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۱ در طبقه ۳۳ تحت شماره ۰۱۳۱۲۵۵۰۲ به ثبت رسیده، برای تعیین مبدأ جغرافیایی محصول که دقیقاً حاصل از بهره برداری از مکان شاتو پتروس بوده و نیز در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱ تجدید اعتبار شده است.

۱. ۲. شرکت مدنی شاتو پتروس در ۸ اوت ۱۹۹۵ دادخواستی نزد دادگاه شهرستان بردو به طرفیت ژان پل گرنیه^۴ و شرکت مدنی بهره برداری کشاورزی اورتیگ پتروس^۵ که «اورتیگ پتروس» نامیده و تاکستانی واقع در منطقه رُش^۶ که اورتیگ نامیده می شود را مورد بهره برداری قرار می دهند، مطرح می کند. خواسته خواهان عبارت است از اینکه ثبت نام شرکت

اعلام می نماید. این رأی قطعی است». مستشاران شعبه هفتم دادگاه تجدیدنظر استان تهران (محمدزاده وادقانی و حیدری، ۱۴۰۲: ۱۰۵).

1. Bordeaux
2. Société civile de Château Petrus
3. Pomevel
4. Jean Paul Garnier
5. Hourtigues Petrus
6. Ruch

خوانده در دفتر ثبت تجاری نقض حق علامت «پتروس» بوده و خواستار ابطال و حذف آن و ممنوع کردن خوانندگان از استفاده از کلمه «پتروس» است.

دادگاه شهرستان بردو در دادنامه^۱ ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ اعلام می‌دارد که آقایان ژان پل گرنیه و آرنو لوفور^۱ در ۳ فوریه ۱۹۷۹ زمینی به مساحت ۱۸ هکتار در منطقه رُش واقع در محل «اورتیگ» که پتروس هم نامیده می‌شود، خریداری کرده‌اند. اینان از تاک‌های ملک خریداری شده شرابی با نام «بین دو دریا» و «بردو با کیفیت برتر» تولید می‌کنند. سپس در سال ۱۹۹۴ شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی اورتیگ پتروس تأسیس می‌شود. پس از آن در سال ۱۹۹۵ درخواست اصلاح حدنگاری (کاداستر) از اداره ثبت می‌شود که موفقیت‌آمیز است. بدین ترتیب نام «اورتیگ» تغییر و پتروس جایی که فقط ۰/۷ هکتار از تاکستان را در خود جای می‌دهد، جایگزین آن می‌شود. به نظر دادگاه، آقای گرنیه با تأسیس شرکت جدید «اورتیگ پتروس» و اصلاح حدنگاری و اینکه محل معروف به پتروس در رُش از زمان‌های قدیم وجود داشته و ایشان طی مدت بیش از چهل سال هیچ شرابی تحت نام پتروس وارد بازار نکرده است، انگیزه‌ای غیر از اینکه از نام معروف پتروس استفاده نامشروع ببرد، نداشته است. بنابراین نام شرکت «اورتیگ پتروس» جعل^۲ علامت شرکت مدنی شاتو پتروس بوده و حکم به حذف نام کلمه پتروس از نام شرکت اورتیگ پتروس و ممنوعیت استفاده از نام «پتروس» و هر نامی که در بردارنده کلمه پتروس باشد با ضمانت اجرای پرداخت ۷۶۲ یورو به ازای هر نقض صادر می‌کند. از دادنامه پژوهش‌خواهی نمی‌شود، بنابراین رأی قطعی می‌گردد.

۱. ۳. شرکت مدنی بهره‌برداری شاتو پتروس در ۷ اکتبر ۲۰۰۲ در دادگاه شهرستان بردو دعوایی به طرفیت زوج رونالد گرن^۳ و کریستین مول^۴ و شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی با نام «پتروس ۳۳۳۵۹ رُش»^۵ که مالک همان ملکی هستند که قبلاً مورد بهره‌برداری شرکت مدنی بهره‌برداری اورتیگ پتروس بود، طرح می‌کند و درخواست تغییر نام ثبت شده تحت عنوان «پتروس ۳۳۳۵۹ رُش» در دفتر ثبت تجاری و حذف کلمه پتروس از نام تجاری و ممنوعیت خوانندگان از هر نوع استفاده و ثبت علامتی که کلمه پتروس در آن باشد و ابطال علامت «کلو دو پتروس»^۶ را می‌کند که توسط خوانندگان در ۵ ژوئن ۲۰۰۲ در ردیف ۲۱، ۲۹ و

1. Arnault Lefort

۲. هر نوع بهره‌برداری از اثری فکری که با نقض حقوق صاحبان آن اثر فکری شامل مخترع و دارنده علامت‌های تجاری یا مولف، دارنده حقوق مولف و دارنده حقوق مجاور انجام گیرد، در حقوق فرانسه جعل نامیده می‌شود (محمدزاده و ادقانی و محمدی، ۱۳۹۰: ۳۴).

3. Ronald Guerin

4. Christine Mevel

5. Scea Petrus 33359 Ruch

6. Clos de Petrus

۳۲ به شماره ملی ۲۳۱۶۷۴۳ برای محصولات گوناگون از جمله شراب به ثبت رسیده است. رئیس دادگاه طی دادرسی فوری ۱۳ ژانویه ۲۰۰۳ خواندگان را به طور موقت از استفاده از نام پتروس و همین طور هر علامت دارای این نام ممنوع می‌کند. همچنین بر اساس اعتراض شرکت مدنی شاتو پتروس در خصوص ثبت علامت «کلو دو پتروس» به شماره ۰۲۱۳۱۶۷۴۳ در آنچه مربوط به شراب می‌شود، اداره مالکیت صنعتی اعتراض را با تصمیم خود به تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۳ می‌پذیرد و در پی این تصمیم، نام شرکت «پتروس ۳۳۳۵۹ رُش» با تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده ۲۰ ژانویه ۲۰۰۳ که طی نامه ۲۰ مارس ۲۰۰۳ به اداره صنعتی ارسال شده، به شرکت مدنی تاکستان گرن^۱ تغییر می‌یابد و هیأت مدیره و زوج گرن از اعتراض به تصمیم ۱۲ مارس ۲۰۰۳ صرف‌نظر می‌کنند. شرکت مدنی شاتو پتروس در توجیه ادعای خود به قاعده اعتبار امر قضاوت شده تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ استناد می‌کند و خواندگان با رد ادعای خواهان و طرح دعوی متقابل تقاضای ابطال علامت پتروس شماره ۱۴۴۲۱۹۴، پتروس شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸، شاتو پتروس شماره ۳۱۲۵۵۲ و شاتو لافلور پتروس به شماره ۱۴۷۴۱۳۵ را می‌کنند.

دادگاه در تصمیم ۹ دسامبر ۲۰۰۳ خود دادخواست متقابل خواندگان را به دلیل فاقد مبنا بودن رد می‌کند. سپس اعلام می‌کند که زوج گرن سهام شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی ماسو^۲ را مالک شده‌اند که بعدها با تغییر نام، شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش برابر سند رسمی ۳۰ دسامبر ۱۹۹۷ در دفتر اسناد رسمی تشکیل شده است. از آنجا که تاریخ سند اخیر پس از تاریخ صدور رأی مورد استناد خواهان (۱۴ ژانویه ۱۹۹۷) است، در نتیجه این دعوا با دعوی مطرح شده در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲ دارای طرفین مشابه نیستند، هرچند که موضوع هر دو پرونده تاکستان واحد است، اما زوج گرن قائم‌مقام ژان پل گرنیه نیستند و سرانجام اضافه می‌کند که از زمان اصلاح حدنگاری منطقه رُش به درخواست ژان پل گرنیه در سال ۱۹۹۵، محل پتروس که تاک‌ها را در خود جای داده، همواره وجود داشته و مورد بهره‌برداری خواندگان قرار گرفته است، در ضمن این نام دارای قدمت است، چراکه در نقشه‌های کسینی^۳، بلیم^۴ و گینه نظامی^۵ هم قید شده است و این قطعه زمین ۵۳ درصد مساحت ملک مورد بهره‌برداری زوج گرن را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب دادگاه نتیجه‌گیری می‌کند که شرکت بهره‌برداری تاکستان گرن به حد کافی شرایط لازم برای استفاده از نام «پتروس» را دارد، به شرط اضافه کردن نشانی تمایزبخش که از خلط با علائم شرکت مدنی بهره‌برداری شاتو پتروس جلوگیری

1. Scea des vignobles Guerin
2. Scea Massot
3. Cassini
4. Belleyme
5. La Guyenne militaire

کند. با پژوهش خواهی هر دو طرف دعوا از رأی صادر شده و صدور رأی دادگاه پژوهش بردو به تاریخ ۲۳ مه ۲۰۰۵ پژوهش خواهی پذیرفته شده و رأی دادگاه بدوی عیناً تأیید می‌شود، مگر در بخشی از آن که مربوط به ابطال علائمی بوده که در دعوا مطرح نبوده است و شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی شاتو پتروس محکوم به پرداخت ۲۵۰۰ یورو به موجب ماده ۷۰۰ ق.آ.د.م جدید و پرداخت تمامی هزینه‌ها می‌شود.

۱. ۴. با فرجام خواهی شرکت مدنی شاتو پتروس (فرجام خواهی شماره ۱۷۷۱۶-۰۵) شعبه تجاری- اقتصادی دیوان عالی مبادرت به صدور رأی ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷ می‌کند. دیوان با استناد به ماده ۱۳۵۱ ق.م عنوان می‌کند قاعده اعتبار امر قضاوت شده یک اماره قانونی است که بررسی ماهوی درباره امری که قبلاً قضاوت شده است را ممنوع می‌کند. به شرط اینکه همانندی طرفین، جهت و موضوع دعوا وجود داشته باشد. در دعوی جعل و تقلب مطرح شده از سوی شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی، شاتو پتروس دادگاه پژوهش بردو، عنوان کرده که خواندگان زوج گرن و شرکت تاکستان گرن بودند که واگذارشوندگان سهام شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی ماسو که بعدها به نام م.ماسو تغییر یافته است، هستند. شرکت مدنی ماسو به موجب سند رسمی ۳۰ دسامبر ۱۹۹۷ ایجاد شده است، یعنی پس از صدور رأی استنادی شرکت مدنی شاتو پتروس (۱۴ ژانویه ۱۹۹۷)، پس همانندی طرفین دعوا وجود ندارد، زیرا شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی یک واحد حقوقی جدید است و زوج گرن نمی‌تواند عنوان قائم مقام ژان پل گرنیه (خواننده دعوی اول) را داشته باشند، هرچند که هر دو دعوا مربوط به بهره‌برداری تاکستانی معروف به پتروس واقع در محل رش می‌شود. ایراد این استدلال غافل شدن دادگاه از حقوق ملکی شرکت مدنی تاکستان گرن است که قبلاً شرکت مدنی ماسو نامیده می‌شده و گرفته شده از حقوق ملکی طرفین دعوی اولیه است، بنابراین تصمیم دادگاه پژوهش مبتنی بر مبنای قانونی نیست. در نتیجه دادنامه ۲۳ مه ۲۰۰۵ دادگاه پژوهش بردو نقض شده و به منظور رسیدگی دوباره به این دادگاه (با ترکیب قضاتی متفاوت با قبل) ارجاع داده می‌شود.

۲. ادعا و مستندات طرف‌های دعوا

استدلال شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی «شاتو پتروس» این است که درخواست ژان پل گرنیه مبنی بر تغییر حدنگاری جنبه متقلبانه داشته، زیرا در نقشه‌های قدیمی از جمله نقشه ناپلئون ۱۸۲۹ عنوان پتروس قید نشده و اگر این نام در نقشه‌های کسینی و بلیم آمده است، به یک ساختمان و مزرعه‌ای مربوط می‌شود که هویت آن به نام اورتیگ به محل کنتیگ نسبت داده می‌شود که شامل زمینی با مساحت زیاد است و در نقشه‌های ناپلئون تحت نام

کتیگ آمده است. این شرکت معتقد است که دادگاه در رأی بدوی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ کاملاً وضعیت را به درستی ارزیابی کرده و این رأی نسبت به طرف‌های این دعوا بر اساس قاعده اعتبار امر قضاوت شده حاکم است. در واقع شرایط سه‌گانه همانندی سبب، طرفین و موضوع وجود دارد. در خصوص طرفین دعوا روشن است که شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی «شاتو پتروس‌گایا» حقوق خود را از قبل طرف‌های رأی اخیرالذکر به دست آورده است.

نتیجه‌گیری شرکت این است که حقوق ادعایی شرکت شاتو پتروس‌گایا توسط صاحبان اولیه، پیش از ایجاد حقوق ادعایی در اثر انتقال مالکیت ملک، در پرونده اولیه مطرح و قضاوت شده است، بنابراین از آن بهره‌مند یا متضرر می‌شوند. تصمیم خلاف یعنی پذیرش دعوا با تغییر ساده عنوان یا هویت طرف دعوا موجب زیر سؤال بردن بی‌پایان تصمیم اتخاذی قبلی است.

سرانجام شرکت شاتو پتروس درخواست اصلاح دادنامه نسبت به نکات مورد اشاره دیوان عالی را داشته و نیز اعلام اینکه دعوا، بر اساس ماده ۱-۱۷۱۶ ل.ق.م.ف اعلام شود که نام تجاری شرکت قضاوت شده بوده است و بر اساس ماده ۱-۱۷۱۶ ل.ق.م.ف اعلام شود که نام تجاری شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی پتروس ۳۳۳۵۹ رُش نقض حقوق علامت پتروس بوده و شرکت خوانده ملزم به حذف کلمه پتروس از نام تجاری خود است. همچنین حکم به ابطال علامت کلو دو پتروس شماره ۰۲۳۱۶۷۶۴۳ و علامت شاتو پتروس‌گایا شماره ۰۴۳۲۸۳۳۴ صادر کند و نیز شرکت‌های پتروس‌گایا و کریستین‌گرن از هر نوع استفاده از کلمه «پتروس» به عنوان علامت، نام تجاری و به‌ویژه در برچسب‌ها و آدرس ممنوع شوند.

شرکت شاتو پتروس‌گایا و دیگر خواندگان معتقدند که دادگاه به درستی استدلال حاکمیت اعتبار امر قضاوت شده را در زمینه تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ رد کرده است. به نظر اینان هیچ همانندی بین موضوع، طرفین و سببی که موجب صدور آن رأی شده و این دعوا وجود ندارد. به‌ویژه خواندگان اظهار می‌دارند که خواندگان دعوی اولیه دارای سمت بهره‌بردار بوده‌اند و نه مالک ملک مربوط و آنان هیچ ارتباط و نسبتی با شرکت اورتیگ پتروس که محکوم‌علیه پرونده است، ندارند. بنابراین با توجه به اثر نسبی احکام، تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ قابلیت استناد در مقابل آنها را ندارد، به‌ویژه اینکه مورد انتشار توسط اداره مالکیت صنعتی هم قرار نگرفته است. البته در صورت انتشار نیز، قابلیت استناد بی‌اعتباری یک علامت مشخص نمی‌توانست به علائمی که جداگانه به ثبت رسیده‌اند، تسری یابد. اینان در ماهیت نیز اتهام تقلب وارد به ژان‌پل‌گرنیه را رد و اظهار می‌کنند که وی فقط مفروضات حدنگاری را با آوردن سوابق تاریخی محل پتروس که در نقشه‌های قدیمی همچون کسینی و بلیم و سایر اسناد در سده‌های هجدهم و نوزدهم به ثبت رسیده، به اثبات رسانیده است. آنها رویه قضایی صدساله را مطرح می‌کنند که برابر آن حقوق بهره‌بردار در استفاده از نام یک ملک، ناشی از مساحت مناسب ملک

تحت آن نام است. بیشترین بخش زمین که ۴۸ درصد مالکیت ملکی را تشکیل می‌دهد، در پتروس قرار دارد، امری که بیش از حد لازم کفایت می‌کند که آنها از آن نام برخوردار شوند و اضافه کردن پیشوند گایا به مکان پتروس به منظور جلوگیری از هرگونه خطر گمراهی با علامت شبه‌تصویری پتروس شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ برای مصرف‌کننده منتفی، علامت شبه‌تصویری پتروس شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ باطل و علامت حرفی شاتو پتروس به شماره ۰۱۳۱۲۵۵۰۲ به دلیل عدم بهره‌برداری بیش از پنج سال از اعتبار ساقط شده است.

بدین ترتیب خوانندگان درخواست رد پژوهش‌خواهی و رد تمام ادعاهای شرکت مدنی پتروس و تأیید دادنامه ۹ دسامبر ۲۰۰۳ را دارند که اعلام کرده است همانندی طرفین دعوا با دعوی منجر به صدور دادنامه ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ وجود ندارد. همچنین درخواست تأیید حقوق شرکت مدنی تاکستان گرن (که اکنون شرکت مدنی شاتو پتروس گایا نامیده می‌شود) و شرکای گرن مبنی بر برخورداری از نام محل پتروس و رد ادعای جعل و تقلب و تأیید حقوق شرکت مدنی تاکستان گرن در معتبر بودن علامت شاتو پتروس گایا به شماره ۰۴۳۸۲۳۳۳۱۸ و نیز بی‌اعتباری علامت شاتو پتروس بر اساس ماده ۵-۷۱۴L به لحاظ عدم استفاده بیش از پنج سال و اعلام غیرقانونی بودن علامت شبه‌تصویری پتروس به شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ بر اساس مواد ۳۱-۷۱۱L و ۶-۷۱۴L ق.م.ف و ابطال آن و ممنوعیت استفاده از آن را دارند.

۳. مقدمات توجیهی و منطوق رأی

شرکت مدنی شاتو پتروس در لایحه جدید خود درخواست اجرای مواد ۶۲۴ و ۶۳۸ ق.آ.د.م را در خصوص درخواست ابطال علائم وی دارد و عنوان می‌کند که درخواست جدید نسبت به علائم حرفی شاتو پتروس شماره ۰۱۳۱۲۵۵۰۲ و شبه‌تصویری پتروس شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ بر اساس مواد ۵۶۵، ۵۶۴ و ۵۶۳ غیرقابل استماع است.

۳.۱. در خصوص دعوی پژوهش‌خواهی

خوانندگان هیچ استدلالی مبنی بر رد پژوهش‌خواهی مطرح نکرده‌اند، بنابراین پژوهش‌خواهی شرکت شاتو پتروس پذیرفته است.

۳.۲. در خصوص دعاوی متقابل

۳. ۲. ۱. ماده ۶۳۸ ق.آ.د.م درباره مقررات حاکم بر دادگاه رسیدگی‌کننده پس از نقض اعلام کرده است:

«پرونده به‌طور شکلی و ماهوی توسط دادگاه ارجاعی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، به استثنای مواردی که مورد نقض قرار نگرفته‌اند.»

در پرونده حاضر دیوان عالی رأی همین دادگاه به تاریخ ۲۳ مه ۲۰۰۵ را نقض کرده است، مگر در بخشی که مربوط به رد درخواست ابطال علامت شرکت مدنی «شاتو پتروس» می‌شود. بنابراین مفاد این رأی تأییدی است بر دادنامه ۹ دسامبر ۲۰۰۳ دادگاه شهرستان بردو در بخشی که به رد درخواست ابطال علامت شبه‌تصویری پتروس به شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ از سوی زوج گرن و شرکت مدنی تاکستان گرن منتهی شده است. در نتیجه مسئله درستی این علامت در قلمرو بررسی دادگاه رسیدگی‌کننده پس از نقض قرار نمی‌گیرد و اهمیتی ندارد که خوانندگان مستند قانونی جدیدی را به منظور ابطال در دادخواست مطرح کرده‌اند، یعنی مواد b-۷۱۱-۳ L و 6-۷۱۴ ق.م.ف، درحالی که پیش از فرجام‌خواهی شرکت مدنی تاکستان گرن و زوج گرن ماده ۴۰ آیین‌نامه اتحادیه اروپا به شماره ۱۴۹۳/۸۹ به تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۹ و نظامنامه ۷ ژانویه ۱۹۹۳ و ماده 3-c-۷۱۱ L ق.م.ف را مستند قرار داده‌اند. بنابراین درخواست ابطال علامت شبه‌تصویری پتروس غیرقابل استماع اعلام می‌شود.

۳. ۲. ۲. برابر ماده ۵۶۴ ق.آ.د.م «اطراف دعوا در دادگاه عالی نمی‌توانند طرح ادعای جدید نمایند، مگر در موارد رد تهاوتر، رد ادعای رقیب یا رسیدگی به مسائل قضایی ناشی از ورود ثالث، یا ظهور یا بروز یک واقعه». در این پرونده خوانندگان از دادگاه عالی درخواست کرده‌اند که علامت حرفی «شاتو پتروس» به شماره ۱۳۱۲۵۵۰۲ به دلیل عدم استفاده بیش از پنج سال بر اساس ماده ۵-۷۱۴ بی‌اعتبار اعلام شود، زیرا شرکت مدنی شاتو پتروس از این علامت برای محصول شراب خود استفاده نمی‌کند، بلکه از علامت حرفی «پتروس» به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ استفاده می‌کند. این درخواست ادعای جدیدی به مفهوم ماده ۵۶۴ ق.آ.د.م است که پیش از صدور رأی دیوان عالی شرکت خواننده مطرح نکرده، بلکه ابطال آن را قبلاً درخواست کرده است. اگرچه خوانندگان متعرض به این نکته نیستند، اما اظهار می‌دارند از آنجا که دعوی جعل و تقلب در خصوص علامتی که بی‌اعتبار است قابل درک و فهم نیست و اینان درصدد رد ادعای رقیب هستند، خواسته باید قابل پذیرش باشد. با وجود این، با توجه به دادنامه‌های ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ و ۹ دسامبر ۲۰۰۳ کاملاً روشن است که دعوی متوالی جعل و تقلب طرح شده توسط شرکت مدنی شاتو پتروس منحصرأ مبتنی بر علامت حرفی «پتروس» ثبت شده به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ بوده است. بنابراین خوانندگان جنبه استثنایی بودن درخواست جدید را توجیه نکرده‌اند، در نتیجه درخواست آنها مبنی بر اعلام بی‌اعتباری علامت «شاتو پتروس» به شماره ۰۱۳۱۲۵۵۰۲ رد می‌شود.

۳.۳. در خصوص ادعای اصلی

۳.۳.۱. اعتبار امر قضاوت شده: قاعده اعتبار امر قضاوت شده یک اماره قانونی است که برابر ماده ۱۳۵۰ ق.م.لازم است در اعمال آن همانندی خواسته، سبب و طرفین وجود داشته و عنوان دعوی نیز یکی باشد. افزون بر این بند ۱ ماده ۴۸۰ ق.آ.د.م مقرر کرده است: «تصمیمی که در مفاد خود تمام یا بخشی از ادعای اصلی را تعیین تکلیف می کند یا تصمیمی که نسبت به یک ایراد دادرسی، عدم قابلیت استماع یا هرگونه اتفافی را تعیین تکلیف می کند دارای اعتبار امر مختومه نسبت به آن ایراد است»^۱.

بنابراین اعتبار امر قضاوت شده فقط نسبت به آنچه با توجه به استدلال‌های انجام گرفته در رأی صادر شده مورد قضاوت قرار گرفته، دارای اعتبار است و این امر مستلزم همانندی سه گانه موضوع، سبب و اطراف دعوا بوده و امری پذیرفته شده است که قائم مقامان خاصی همچون خریدار یا منتقل‌الیه توسط عامل (فروشنده، ناقل) پیش از ایجاد حقوق آنها به روی مال موضوع انتقال، نمایندگی شده‌اند. در نتیجه باید گفت خریدار و منتقل‌الیه از قاعده اعتبار امر قضاوت شده نسبت به عامل بهره‌مند یا متضرر می‌شوند. اصول یادشده مورد تأیید خوانندگان است، اما معترض نسبت به اجرای آن در پرونده حاضرند، زیرا ادعا می‌کنند حقوق آنها صرفاً ناشی از زوج ماسو بوده و نه ناشی از اطراف دعوایی که به صدور رأی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ منجر شده است. برعکس شرکت مدنی شاتو پتروس معتقد است اطراف دعوای حاضر قائم مقام طرف‌های دعوای قبلی‌اند. پیش از اظهار نظر در این خصوص مناسب است که به نقل و انتقال‌های صورت گرفته و پیش و پس از صدور تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ نگاهی افکنده شود.

برابر اسناد ارائه شده به دادگاه، ملک موضوع اختلاف مطابق سند رسمی ۳ فوریه ۱۹۷۹ از مالک، آقای مارسل وزلو^۲ به ژان پل گرنیه و آرنو لوفور واگذار می‌شود. سپس برابر سند رسمی ۲۷ نوامبر ۱۹۹۳، مالکان همراه با ژان جرج دلاتر^۳ شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی «اورتیگ» را تشکیل می‌دهند. موضوع شرکت، بهره‌برداری از ملک مورد بحث است، بدون اینکه

۱. در حقوق داخلی برخی صاحب‌نظران برخلاف آنچه بند ۱ ماده ۴۸۰ ق.آ.د.م فرانسه اعلام کرده است با استناد به نص صریح قانون بر این باورند که فقط احکام قطعی صادر شده از دادگاه مشمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده‌اند، نه قرارها (ابهری، ۱۳۹۶: ۳۴)، حال آنکه برخی دیگر علاوه بر احکام قطعی، قرارهای سقوط دعوا را نیز مشمول می‌دانند (افتخارچهرمی و السان، ۱۴۰۱: ۱۴۳؛ شمس، ۱۳۹۰: ۴۴۰؛ مهاجری، ۱۳۸۷: ۳۶۹). اما این قاعده همان‌گونه که یکی از صاحب‌نظران به درستی اشاره کرده است، از قواعد ماهوی حقوق آیین دادرسی مدنی و در زمره موانع رسیدگی است (غمامی، ۱۴۰۱: ۳۹۸) و به گفته استاد کاتوزیان نباید از مسامحه در تعبیر نص قانون استفاده کرد، بنابراین اعتبار امر قضاوت شده به تمام آرای قضایی اعم از قرارها و احکام تعلق می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۰۵).

2. Marcel Vouzelaud
3. Jean Georges Delattre

اطلاعاتی درباره وجود یا نبود قرارداد اجاره روستایی در دست باشد. در ۱۵ نوامبر ۱۹۹۵ ژان پل گرنیه به عنوان مدیر شرکت معرفی شده و شرکت در ۸ اکتبر ۲۰۰۱ منحل اعلام می شود و در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۳ نام شرکت از دفتر تجاری حذف می شود. ژان پل گرنیه و آرنو لوفور برابر سند رسمی ۲۰ دسامبر ۱۹۹۷ ملک را به زوج ژاک ماسو^۱ منتقل می کنند. برابر سند رسمی ۳۰ دسامبر ۱۹۹۷ شرکت مدنی بهره برداری کشاورزی ماسو بین زوج تشکیل می شود که موضوع آن بهره برداری از ملک معروف به پتروس است. با تنظیم سند ۳۱ دسامبر ۱۹۹۷ تشکیل از چند ملک کشاورزی تحت نام جی.اف.آ ماسو^۲ تشکیل می شود که در آن به عنوان آورده از سوی زوج ماسو ملک خریداری شده از ژان پل گرنیه و آرنو لوفور قرار می گیرد. سرانجام برابر سند رسمی سومی در ۲۰ مارس ۱۹۹۸ جی.اف.آ ماسو قرارداد اجاره روستایی به مدت ۱۸ سال نسبت به همین ملک با شرکت مدنی ماسو منعقد می شود و در ادامه زوج ماسو ملک را برابر سند رسمی ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ به زوج گرن و شرکت آمریکایی «واردات شراب اروپایی»^۳ واگذار می کنند. سهام شرکت ماسو در همین سند به همسر گرن که مدیر شرکت نیز اعلام می شود، واگذار و جایگزین ژاک ماسو می شود. با تنظیم سند رسمی دیگری همان روز «جی.اف.آ ماسو» به شرکت مدنی ماسو همراه با ملک مورد بحث واگذار می شود که مدیر آن کریستین گرن است و سپس جی.اف.آ ماسو در ۸ آوریل ۲۰۰۲ آن را منحل اعلام می کند و در اثر تنظیم اسناد ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ شرکت مدنی ماسو مالک تمام ملک مورد اختلاف می شود و این شرکت با تغییر نام خود در ۲۵ مارس ۲۰۰۲ منحل اعلام شده و در اثر تنظیم اسناد ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ شرکت مدنی ماسو مالک تمام ملک مورد اختلاف می شود. این شرکت نام خود را در ۲۵ مارس ۲۰۰۲ به شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش و سپس در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۳ به شرکت مدنی بهره برداری تاکستان گرن و سرانجام در اول سپتامبر ۲۰۰۵ به شرکت شاتو پتروس گایا تغییر می دهد و طبق دادنامه ۲ فوریه ۲۰۰۲ شهرستان بردو و تصمیم ۷ نوامبر ۲۰۰۸ شرکت مشمول یک نقشه راه بازسازی (ورشکستگی) قرار می گیرد که در خصوص آن در حال اجراست.

از مجموعه نقل و انتقال های یاد شده نتیجه گیری می شود که شرکت شاتو پتروس گایا حقوق مالکیتی خود را نسبت به ملک موضوع دعوا از جی.اف.آ ماسو، که او هم حقوق خود را از قبل زوج ماسو گرفته و زوج آخر نیز حقوق خود را از قبل ژان پل گرنیه و آرنو لوفور به دست آورده است. خواندگان بدون اینکه به این سلسله واگذاری ها معترض باشند، عنوان می کنند که قائم مقام ژان پل گرنیه نیستند. اینان استدلال می کنند اولاً ایشان در سال ۱۹۹۵ به عنوان بهره بردار،

1. Jacques Massot
2. G.F.A Massot
3. Euro wine importation

مدیر شرکت پتروس اورتیگ طرف دعوا قرار گرفته است و نه به عنوان مالک، شرکت مدنی شاتو پتروس در آن زمان دچار اشتباه مهلک و جبرانی نشدنی شده است، زیرا دعوا به طرفیت صاحب علامت (بهره‌بردار) طرح شده و نه مالک ملک که این اشتباه نادیده گرفتن رویه قضایی تثبیت شده‌ای است که مطابق آن علامت مربوط به قلمرو یک سرزمین که معرف محصولی است، از آن سرزمین جداپذیر نیست.

با وجود این به نظر دادگاه از رأی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ برداشت نمی‌شود که ژان پل گرنیه تحت عنوان خاص به‌ویژه به عنوان مدیر شرکت به دادگاه احضار شده باشد، زیرا در ۸ اوت ۱۹۹۹، یعنی تاریخ احضار به دادگاه دارای چنین عنوانی نبوده است. بنابراین در نبود اشاره‌ای خاص او ضرورتاً به عنوان شخص احضار شده و بنابراین مالک ملک مورد بحث و به خصوص موضوع بهره‌برداری شرکت مدنی پتروس اورتیگ است، پس استدلال خوانندگان درست نیست. همچنین خوانندگان استدلال می‌کنند که در سال ۱۹۹۵ شرکت مدنی شاتو پتروس با نادیده گرفتن مقررات ماده ۸۱۵ و بعدی ق.م به فرض پذیرش اینکه ژان پل گرنیه به عنوان مالک طرف دعوا قرار گرفته باشد، فاقد صلاحیت در مورد مال مشاعی است. به نظر دادگاه طرف دعوا قرار ندادن دیگر مالک مشاعی یعنی آرنو لوفور، تأثیری بر حل و فصل قطعی موضوع دعوا نسبت به ژان پل گرنیه در دعوای پیشین ندارد، بنابراین استدلال خوانندگان درست نیست.

به نظر می‌رسد اگرچه شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین گرن قائم مقام شرکت مدنی پتروس اورتیگ که منحل شده است نیستند، اما دارنده حقوق ژان پل گرنیه هستند. بنابراین آنچه در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ مورد قضاوت قرار گرفته، شامل او نیز می‌شود، به شرط اینکه همانندی موضوع و سبب نیز اثبات شود. در ادامه، این دو مورد بررسی می‌شوند. ایراد دیگر خوانندگان درباره نبود همانندی موضوع دعواست، زیرا علامت موضوع دعوای ۲۰۰۳ همان علامت موضوع محکومیت در سال ۱۹۹۷ نیست. افزون بر این شرکت مدنی شاتو پتروس اقدام به طرح دعوای متقابل عینی نکرده، بلکه اقدام به طرح دعوای شخصی جعل و تقلب کرده است، بنابراین حکم صادر شده در ۱۹۹۷ مشمول اصل نسبی تصمیمات قضایی قرار می‌گیرد. همچنین مالکیت زوج گرن مالکیت بدون حق بر علامت است و آنها مجاز به ثبت علامت جدید حاوی کلمه پتروس متفاوت با علامتی که سابقاً باطل شده است، هستند. اگرچه این یک واقعیت است که شرکت مدنی شاتو پتروس نه در سال ۱۹۹۵ و نه در سال ۲۰۰۲ اقدام به طرح دعوای عینی نکرده، بلکه طرح دعوای شخصی کرده، اما این ادعا درست نیست که بگوییم زوج گرن صاحب مالکیت بدون حق بر علامت شده‌اند. در واقع در سند فروش ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۱ توسط جی.اف.آ ماسو به شرکت مدنی ماسو با نمایندگی کریستین گرن علامت «شاتو تررت برونیاک»^۱

به شماره ۹۷۶۸۱۱۵۶ قید شده است. باید دقت کرد که هدف اصلی شرکت مدنی شاتو پتروس از طرح دعوا در سال ۱۹۹۵ این بوده که ثبت نام «اورتیگ پتروس» به شماره ۳۹۳۶۰۴۹۱۳ در دفتر ثبت تجاری شهرستان بردو جعل علامتی است که شرکت شاتو پتروس آن را به ثبت رسانیده و به طور مرتب تجدید اعتبار شده و شرکت اورتیگ پتروس ملزم به حذف کلمه پتروس در نام خود و ممنوعیت استفاده از کلمه پتروس شده است.

شرکت مدنی شاتو پتروس در سال ۲۰۰۲ از دادگاه درخواست کرد بررسی و اعلام کند که ثبت نام شرکت مدنی پتروس ۳۳۳۵۹ رُش عمل جعل و غیرقانونی علامت ثبت شده و معتبر او بوده و تقاضای صدور حکم بر حذف کلمه پتروس از نام شرکت خوانده و ممنوعیت وی و زوج گرن از هرگونه استفاده از کلمه پتروس و ممنوعیت ثبت هر علامت را که دربردارنده کلمه پتروس باشد، کرده است. بدین ترتیب اگرچه دعاوی متوالی مربوط به شرکت‌ها با نام‌ها و علائم گوناگون است، اما در هر دو دعوا به مفهوم ماده ۱۳۵۱ ق.م.همانندی موضوع وجود دارد. همچنین خواندگان همانندی سبب را رد می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند سبب یعنی مبنای قانونی که طرف دعوا به آن استناد می‌کند، در پرونده قضاوت شده در ۱۹۹۷ قانون استنادی قانون داخلی بوده، در حالی که در پرونده ۲۰۰۳ مستند قانونی قواعد اتحادیه‌ای و تغییر قواعد استنادی حاکم در پرونده یعنی تغییر جهت، که آن هم مانع از اعمال قاعده اعتبار امر قضاوت شده است.

به نظر دادگاه هر دو رأی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ و ۹ دسامبر ۲۰۰۳ حکایت از آن دارد که در هر دو پرونده، شرکت مدنی شاتو پتروس ادعای خود را مبتنی بر ماده مشابهی از قانون مالکیت فکری (جعل و تقلب - نقض حقوق علائم) قرار داده است و نه حقوق اتحادیه‌ای، بنابراین همانندی جهت نیز وجود دارد. از آنچه سخن رفت نتیجه‌گیری می‌شود که شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین گرن قائم مقامان خاص ژان پل گرنیه هستند و شرایط اعتبار امر قضاوت شده فراهم است. البته خواندگان معترض اجرای قاعده اعتبار امر قضاوت شده هستند و عنوان می‌کنند که در رأی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ فقط شرکت پتروس اورتیگ موضوع محکومیت قرار گرفته است و نه ژان پل گرنیه. در این باره کافی است به متن رأی صادر شده نظری افکنده شود. در پاراگراف نخست رأی، مسئله جعل و تقلب حل و فصل شده است: «تصمیم‌گیری می‌شود که نام اورتیگ پتروس به عنوان شرکت مدنی بهره‌برداری کشاورزی ثبت شده در دفتر تجاری شهر بردو به شماره ۳۹۳۶۰۴۹۱۳ جعل و تقلب (نقض حق) علامت پتروس ثبت شده توسط شرکت مدنی شاتو پتروس می‌باشد». این تصمیم لزوماً در مقابل تمام اطراف دعوا از جمله ژان پل گرنیه قابلیت استناد دارد و ممنوعیت، محکومیت و دستور صادر شده فقط به شرکت پتروس اورتیگ مربوط می‌شود. همچنین در تاریخ صدور رأی ژان پل گرنیه هم طرف دعوا و هم مدیر شرکت

بوده است و با دارا بودن عنوان دوگانه سایر موازین دادنامه نیز نسبت به او قابلیت استناد دارد، در نتیجه باید گفت جمع موازین رأی نسبت به قائم مقامان خاص دارای اعتبار امر قضاوت شده است. پس دادگاه در صدور رأی ۹ دسامبر ۲۰۰۳ به اشتباه استدلال اعتبار امر قضاوت شده را رد کرده است. استدلال خواندگان مبنی بر عدم قابلیت استناد رأی نسبت به ثالث به دلیل عدم انتشار آن توسط اداره مالکیت صنعتی درست نیست، زیرا آنها در پرونده ثالث نیستند، بلکه قائم مقام یک طرف پرونده اولیه هستند. پس باید گفت که رأی ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ نسبت به آنها دارای اعتبار امر مختومه است.

۲.۳.۳. عواقب و آثار قاعده اعتبار امر قضاوت شده: دادگاه صادرکننده دادنامه ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ مقرر کرده نام شرکت پتروس اورتیگ، نقض علامت «پتروس» شرکت مدنی شاتو پتروس است، چراکه دربردارنده کلمه پتروس بوده که شرکت مجاز به استفاده از آن نبوده است. این تصمیم نسبت به خواندگان پرونده حاضر دارای اعتبار امر قضاوت شده است؛ یعنی وارد کردن این کلمه در نام شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش و شرکت شاتو پتروس گایا نیز جعل است. بنابراین دادنامه ۹ دسامبر ۲۰۰۳ مبنی بر رد درخواست شرکت مدنی شاتو پتروس در جعل علامت پتروس به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ و اینکه خواندگان حق استفاده از کلمه پتروس در نام تجاری خود را دارند، باید اصلاح شده و ثبت نام «شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش» جعل اعلام شود.

همچنین شرکت شاتو پتروس خواستار الزام شرکت خوانده در حذف کلمه پتروس از نام خود است. این درخواست به دلیل حاکمیت قاعده اعتبار امر قضاوت شده تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷، موجه و لزوماً بر شرکت شاتو پتروس گایا، نام تجاری کنونی شرکت خوانده، حاکم و جاری است، الا اینکه باید طی دو ماه از تاریخ ابلاغ دادنامه حاضر صورت گیرد. شرکت خواهان از دادگاه خواستار ابطال علائم «کلو دو پتروس» شماره ۰۲۳۱۶۷۶۴۳ و «شاتو پتروس گایا» شماره ۰۴۳۲۸۳۳۴ با تعیین ضمانت اجرا شده است. برابر مدارک ارائه شده به دادگاه شرکت مدنی بهره‌برداری تاکستان گرن و زوج گرن طی نامه مورخ ۲۰ مارس ۲۰۰۳ از اعتراض به تصمیم اداره مالکیت صنعتی به تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۳ مبنی بر پذیرش اعتراض شرکت مدنی شاتو پتروس نسبت به علامت «کلو دو پتروس»، صرف نظر کرده و برابر تصمیم ۷ ژانویه ۲۰۰۵ آن اداره درخواست ثبت علامت «شاتو پتروس گویا» رد شده است. با وجود این، به نظر می‌رسد دست کم علامت «شاتو پتروس گایا» توسط خواندگان کماکان با تکثیر رنگی در برچسب (اتیکت)ها و روی جعبه‌های شراب در بازار استفاده می‌شود. این عمل نقض حق بر علامت «پتروس» به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ شرکت شاتو پتروس است. بنابراین لازم بوده دادنامه ۹ دسامبر ۲۰۰۳ در بخشی که عنوان کرده، خواندگان حق استفاده از نام پتروس را در علائم

خود به شرط استفاده از پیشوند یا پسوند دارند، اصلاح و اعلام شود که هر دو علامت با تعیین ضمانت اجرا ابطال می‌شوند. همچنین شرکت مدنی شاتو پتروس از دادگاه خواستار صدور حکم ممنوعیت شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین گرن از هر نوع استفاده از کلمه «پتروس» با ضمانت اجرای ۱۵/۰۰۰ یورو برای هر بار نقض شده است. همچنین ممنوعیت ثبت یا استفاده از علامت پتروس یا هر علامتی که دربردارنده کلمه پتروس باشد و حتی استفاده به‌عنوان آدرس ممنوع شود. با توجه به شمول اعتبار امر قضاوت‌شده تصمیم ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ که نافی هر نوع حقی نسبت به نشان پتروس برای طرف دعوا شده است، این درخواست موجه بوده و شرکت خواننده از استفاده این کلمه به‌عنوان آدرس و برچسب روی شیشه‌های شراب ممنوع شده است.

سرانجام، شرکت خواهان خواستار محکومیت تضامنی شرکت شاتو پتروس گایا و خانم سرا و خانم مالمزاپارت^۱ و کریستین گرن به پرداخت ۵۰/۰۰۰ یورو غرامت در اجرای ماده ۱-۱۷۱۶ ق.م.ف شده است. ایشان استدلال کرده‌اند که استفاده متوالی از علامت با قید کلمه پتروس که توسط زوج گرن و شرکت‌های مدنی بهره‌برداری کشاورزی با نام‌های گوناگون طی زمان صورت گرفته، موجب ایراد زیان به علامت آنها شده که دارای معروفیت ویژه است، از جمله فروش محصولات در آلمان توسط سایت ای-بی^۲. با وجود این، انتساب فروش شراب توسط ای-بی در آلمان به طرف دعوا اثبات نشده است، به‌ویژه اینکه خود رونالد گرن هم در نامه ارسالی به سایت یادشده در فرانسه به تاریخ ۱۲ فوریه ۲۰۰۴ رفتار آن را کلاه‌برداری نامیده است. در عوض، نقض حق علامت خواهان طی مدت بیش از دوازده سال (با تغییر متوالی شرکت ماسو به شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش) لزوماً موجب ایراد لطمه به علامت پتروس به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ شده است. مدارک لازم و کافی برای ارزیابی خسارات واردشده به قدر مبلغ درخواستی ۵۰/۰۰۰ یورو وجود دارد. عمل نقض حق پس از شروع عملیات تصفیه شرکت شاتو پتروس گایا ادامه یافته است، این شرکت همراه با خانم کریستین گرن به‌عنوان وارث رونالد گرن محکوم به پرداخت مبلغ یادشده هستند. خانم سرا فقط به‌عنوان مأمور اجرای برنامه تصفیه شرکت شاتو پتروس گایا و همچنین شرکت مالمزاپارت به‌عنوان نماینده قضایی در اجرای برنامه تصفیه نمی‌توانند موضوع محکومیت قرار گیرند.

1. Malmezat Part
2. eBay

۴.۳. در خصوص هزینه‌ها

در این خصوص تمامی ادعاهای خواندگان رد می‌شود. دادگاه پژوهش پس از شور برابر قانون در زمینه ارجاعی که از سوی دیوان به وی انجام گرفته است، به‌عنوان مرحله نهایی به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کند:

درخواست شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین مول بیوه آقای گرن و خانم سرا را نسبت به ابطال علامت شبه‌تصویری «پتروس» به شماره ۹۳۴۶۸۵۱۸ با اعمال ماده ۶۳۸ ق.آ.د.م غیرقابل قبول اعلام کرده و رد می‌کند؛

درخواست بی‌اعتباری علامت حرفی «شاتو پتروس» به شماره ۰۱۳۱۲۵۵۰۲ را از سوی آنان ناپذیرفتنی و رد می‌کند؛

دادگاه اعلام می‌دارد شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین مول بیوه آقای گرن قائم‌مقامان خاص ژان‌پل‌گرنیه در پرونده مختومه‌ای هستند که به صدور دادنامه ۱۴ ژانویه ۱۹۹۷ دادگاه شهرستان بردو منجر شده و رأی صادرشده غیرقابل فسخ است؛

دادگاه اعلام می‌دارد که تصمیم اخیر دارای اعتبار امر قضاوت‌شده برای طرف‌های این پرونده است؛

در نتیجه تصمیم ۹ دسامبر ۲۰۰۳ دادگاه شهرستان بردو اصلاح می‌شود، مگر مفادی که مربوط به رد دادخواست متقابل با موضوع ابطال علائم است؛

دادگاه اعلام می‌دارد که ثبت‌نام شرکت پتروس ۳۳۳۵۹ رُش نقض علامت پتروس به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ بوده که شرکت مدنی شاتو پتروس با تجدید اعتبار متوالی حفظ کرده است؛ دادگاه شرکت شاتو پتروس گایا را ملزم به حذف کلمه پتروس از نام تجاری خود طی دو ماه از تاریخ ابلاغ این تصمیم می‌کند؛

دادگاه شرکت مدنی شاتو پتروس را در صورت عدم اجرا در مهلت تعیین‌شده مجاز به اقدام با ارائه اجرائیه این دادنامه از طریق دفتر دادگاه تجارت می‌کند؛

دادگاه حکم بر ابطال علائم «کلو دو پتروس» شماره ۰۲۳۱۶۷۶۴۳ و «شاتو پتروس گایا» شماره ۴۳۳۲۸۳۳۴ به دلیل نقض حق بر علامت «پتروس» ثبت‌شده به شماره ۱۴۴۲۱۹۴ توسط شرکت مدنی شاتو پتروس، اعلام می‌دارد؛

دادگاه شرکت شاتو پتروس گایا و کریستین گرن را از ثبت یا استفاده از کلمه «پتروس» یا هر علامت دیگری که دربردارنده نام «پتروس» باشد، ممنوع می‌کند.^۱

۱. دادنامه ۲۲ مه ۲۰۱۴ دادگاه پژوهش بردو که طی فرجام‌خواهی شماره ۱۴-۲۱۵۴۶ و تصمیم دیوان عالی به تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۶ تأیید شد.

رئیس دادگاه لوئی مری-شومیناد^۱ منشی مارسولین لوئی سون^۲

نتیجه

آورده این نوشته در چند نکته خلاصه می شود:

اول، اجرای قاعده اعتبار امر قضاوت شده در چارچوب قواعد تمرکز مبنای و تمرکز دعاوی، منطقی، مفید و منصفانه بوده و امروز در سطح اتحادیه اروپا پذیرفته شده است. دوم، در اجرای سنتی قاعده با توجه به شروط سه گانه شامل یگانگی موضوع، اسباب و اطراف دعوا لازم است که همواره اهداف اصلی وضع قاعده در اجرای شروط و نه شباهت های کلیشه ای، مدنظر قرار گیرند. همان طور که در دادنامه نمونه آمده است، دادگاه پژوهش با اینکه خواننده دعوی دوم قائم مقام خواننده دعوی اول نبوده، ولی دارنده حقوق وی بوده است و با اینکه خواسته دعوی دوم متفاوت با خواسته دعوی اول بوده، هر دو دعوا را به مفهوم ماده ۱۳۵۱ ق.م.ف. دارای موضوع همانند دانسته است. همچنین اگرچه مبنای قانونی در دعوی اول قانون داخلی و در دعوی دوم قواعد اتحادیه ای بوده است، اما دادگاه پژوهش با این استدلال که هر دو متن قانونی مربوط به نقض حقوق علائم تجاری است و بنابراین اسباب، مشترک اند، دعوی دوم را مشمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده اعلام کرده است. سوم، تصمیمات دادگاه اعم از احکام و قرارها مشمول قاعده قرار می گیرند، همان طور که بند ۱ ماده ۴۸۰ ق.آ.د.م آن را بدین صورت مقرر کرده است: تصمیمی که در مفاد خود تمام یا بخشی از ادعاهای اصلی را تعیین تکلیف می کند یا تصمیمی که نسبت به یک ایراد دادرسی، عدم قابلیت استماع یا هرگونه اتفافی را تعیین تکلیف می کند، دارای اعتبار امر قضاوت شده نسبت به آن ایراد است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده سازی یا جعل داده ها، منع سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش شونده، سوء رفتار و غیره، به طور کامل رعایت کرده اند.

منابع

الف) فارسی

۱. شمس، عبدالله (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی. ج ۱، تهران: دراک.
۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). اعتبار امر قضاوت شده. تهران: کانون وکلا.
۳. محمدزاده وادقانی، علیرضا و نرگس حیدری (۱۴۰۲). حقوق مالکیت صنعتی. تهران: دانشگاه تهران.
۴. محمدزاده وادقانی، علیرضا و پژمان محمدی (۱۳۹۰). فرهنگ تطبیقی حقوق مؤلف و کپی رایت. تهران: دانشگاه تهران.

۵. غمامی، مجید (۱۴۰۱). «اعتبار امر قضاوت شده در فرجام». *دوفصلنامه نقد و تحلیل آرای قضایی*، ش ۲، ص ۳۸۹-۴۰۲
DOI: Analysis. 2023. 701516/10.22034

ب) فرانسوی

6. Bléry, C. (2020). *Concentration des moyens ou des demandes et autorité de chose jugée: rien de bien nouveau sous le soleil...*, dalloz; (www.dalloz-actualite.fr/flash/concentration-des-moyens-ou-des-demandes-et-autorite-de-chose-jugee-rien-de-bien-nouveau-sous-)
Accessed 13 October 2023.



Research Paper

The Validity of *Res Judicata* and Its Evolution in the Rules of Consolidation of the Claims and Grounds in the French Legal System

Alireza Mohammadzade-Vadeghani¹ *, Nargess Heydari² 

1. Corresponding Author: Associate Professor, Faculty of Law and Political Science, Private and Islamic Law Department University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mohamadz@ut.ac.ir

2. PhD Student of Private Law, Pardis-Alborz, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: nargessheydari@ut.ac.ir

Abstract

Among the rules of civil procedure law, there is the validity of *res judicata* which it has been a basic rule of law from a long time ago and citing this rule as a procedural objection during the claim causes a permanent barrier to the proceedings. In general, the implementation of this rule requires the existence of the triple conditions including the unity of the subject, the litigants and the cause of action.

Recently, the judicial precedent of France, the country of origin of the rule, has given the two other rules in order to eliminate the inefficiencies and to correct implementation of the validity of *res judicata*; The rule of consolidation of the grounds which means that the plaintiff of the initial claim is required to present all the causes and directions on which the claim can be based, otherwise, the claim is subject to the validity of *res judicata*. This rule has been noticed in a known French judicial case named "CESAREO".

The second rule, which concerns the consolidation of claims, stipulates that the plaintiff of the initial claim is obliged to utilize all available defenses and, if necessary, raise a counterclaim. Otherwise, following the introduction

* **How to Cite:** Mohammadzade-Vadeghani, Alireza; Nargess Heydari(2024, Summer).“ The Validity of *Res Judicata* and Its Evolution in the Rules of Consolidation of the Claims and Grounds in the French Legal System”*Private Law Studies Quarterly*, 54,2 . 239 – 260.

DOI: 10.22059/JLQ.2024.364294.1007794

Manuscript received: 31 October 2023; final revision received: 21 January 2024; accepted:15 August 2024 , published online: 31 August 2024



of a separate claim against the plaintiff, the issue will be deemed resolved. This rule was established by the commercial branch of the Supreme Court of France in a judgment concerning an arbitration case. Notwithstanding the existence of opposing views on these two rules, the legal system of France, in its traditional implementation of the rule of *res judicata*, is founded upon the purpose of establishing this rule. This includes the one-time judicial proceeding of the judicial matter, which requires the existence of the three conditions. Consequently, a decision must be made about it forever. In order to achieve this objective, the authors have selected and analyzed a judgement pertaining to a trademark dispute, which was issued by a French appellate court and subsequently confirmed by the Supreme Court of France. In accordance with the aforementioned rule, the French court resolved to consolidate the subject, litigants, and cause of the claim, despite the discrepancy in the subject matter of the initial and subsequent litigation, the dissimilarity in the litigants involved in the two claims, and the fact that the referenced legal articles are not identical. Ultimately, the court ruled that this rule encompasses the second claim as well. Consequently, all orders issued by the courts are subject to this rule, including judgments.

This article seeks to examine the question of how the aforementioned rule could be implemented in the French legal system, and to what extent it could be applied in the context of the Iranian legal system. A review of this case demonstrates that the application of the aforementioned rules is equitable and just. However, the formal unification of the three conditions does not align with the principle of the rule of *res judicata*, as evidenced by the judgment in the Bordeaux case. Similarly, the aforementioned judicial orders are subsumed within the aforementioned rule, akin to judgments. This is in accordance with the decisions of the French courts, which are at odds with certain tenets of Iranian doctrine. Moreover, the implementation of this rule is permitted in the appellate court, provided that the counterclaim is raised in accordance with French judicial precedent, which differs from the Iranian approach. This article provides an overview of the aforementioned rules and examines how French judges interpret the triple conditions and their implementation, with reference to French judicial precedent and a case from among the issued court verdicts. A comparison of the Iranian and French judicial precedents is a valuable exercise, as it reveals the shortcomings of the Iranian legal system. The implementation of this rule is rigid and inflexible, leading to numerous proceedings on the same matter. While some judges attempt to address this issue through their individual ingenuity, a more comprehensive solution is necessary to align the Iranian legal system with the French judicial precedent outlined in this article.

Keywords: *Res judicata*, Consolidation of Grounds and Claims, French Judicial Precedent.

Declaration of conflicting interests

The authors declares no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.